



INFINITE FRONTIER



BATMAN SUPERMAN

16



YANG
REIS
MIKI
RICH

TWO
WORLDS!

TWO
HEROES!



D
A

DOUBLE
THE DANGER!



AGES 13+
DCCOMICS.COM



سوپرمن

در
"دنیای فردا!"



خواننده های عزیز، به بهترین فیلم
دو قسمتی دنیا خوش اومدید! دو
داستان احساسی جداگانه! دو برابر
اکشن بیشتر! دو برابر هیجان بیشتر!

می تونید به خط داستانی رو
تا آخر بخونید و بعد برگردید
برای خوندن اون یکی...

...یا اینکه هر دو داستان رو
همزمان با هم بخونید!
انتخاب با شماست!

بتمن و رابین!

در
دنیای شوالیه!



بعد از فرار از سیاره ای محکوم به فنا در دوردست، و رسیدن به زمین...

...کلارک کنت جوان متوجه شد که قدرت هایی فرازمینی به ارث برده است و قسم خورد از آنها در مسیر خوبی استفاده کند!

به این ترتیب قهرمان حقیقت، تحمل و عدالت، سوپرمن، متولد شد!

کلارک کنت، لونیس لین و جیمی اولسن برای تهیه گزارش برای روزنامه دیلی پلنت رفتند اونجا!

باتری همه کاره محسوب می شه!

یک منبع انرژی لایزال که می تونه برق خانه ها و اسنایف ها رو تامین کنه! بدارید از کسی که همه اینها رو میسر کرده دعوت کنم بیاد روی صحنه...

در شهر زیبای متروپلیس، شهر وندان جمع شدند تا جدیدترین دستاوردهای تکنولوژیک رو جشن بگیرند.

بروس وین جوان بعد از اینکه شاهد قتل پدر و مادرش در کوچه ای تاریک را به چشم خود دید...

...قسم خورد با وقت کردن زندگی خود در مسیر مبارزه با جرم و جنایت انتقام خون والدینش را بگیرد!

و به این ترتیب دشمن تاریک و عجیب پدید می آید، متولد شد!

آسایشگاه روانی آرکهم در حاشیه شهر گاتهام با ظاهری ترسناک قرار دارد. این محل آسایشگاه کابوس-گونه مجرمان روانی است!

یک ماشین خدماتی کافی شاپ به سمت در ورودی می پیچه و آماده می شه اون محل مخوف رو ترک کنه!

نمی خوام مزاحم تماشای برنامه ات بشم، ولی می شه درو بزیند باز بشه؟

حتماً. به هر حال این وقت شب هیچ چیز خوبی پیدا نمی شه.

ها! ها! ها!

دوستتون مشکلی داره؟

لطفاً درو باز کن بریم.



من! کسی که ایده باتری همه کاره رو ارائه کرده. ممن. من باید روی اون سکو باشم!



چون قبول نمی کنید چیزی که حقمه بهم بدید، باید شاهد خشم جادوگر ناشناخته باشید! باشیدا!



حرف حساسیت چیه؟! سرف!

نظری ندارم، ولی باید بفهمم جیمی، من تونی...؟

دوربین درونی من به پرواز دراومده خانم لین!



من آآ... دنیاال جمعیت می رم! سعی می کنم طرف زاویه علایق عمومی رو بگیرم!

کلار که کنت دوباره غیبتش زد. باورم نمی شه اون ترسو بزرگترین رقیب من باشه!

اوه، آقای کنت خیلی خونسرده!



خونسردی و کار آمدی یا هم فرق دارند، جیمی!



صبر کن... تو جو کری!

و پنگوئن! و... تو چونر؟! ها ها!

آخر چوک رو خراب کردی! ها ها!



باید درو باز می کردی.

آآآ!

ZAAP



ها ها!

دورنامه dorrname.ir



خیلی وقت فرار اینجوری نداشتیم!

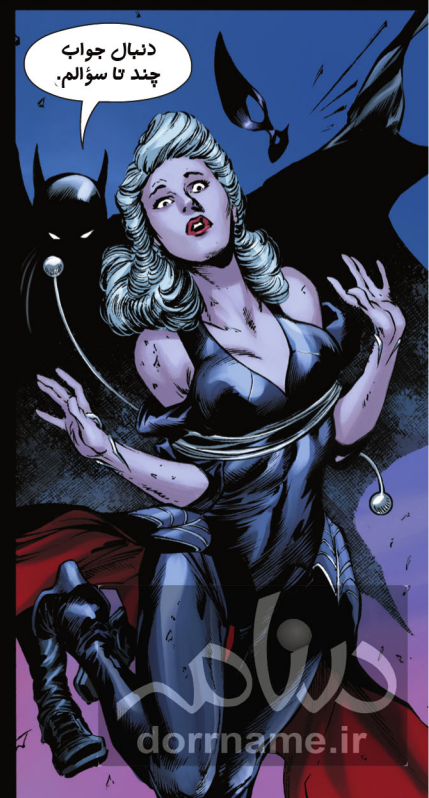
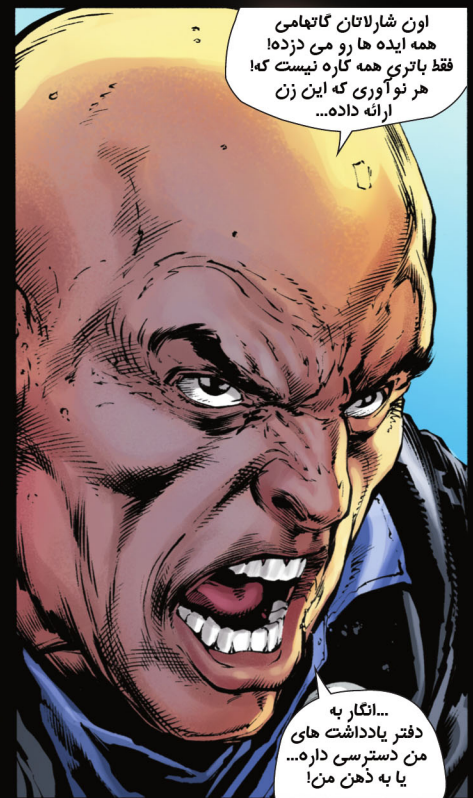
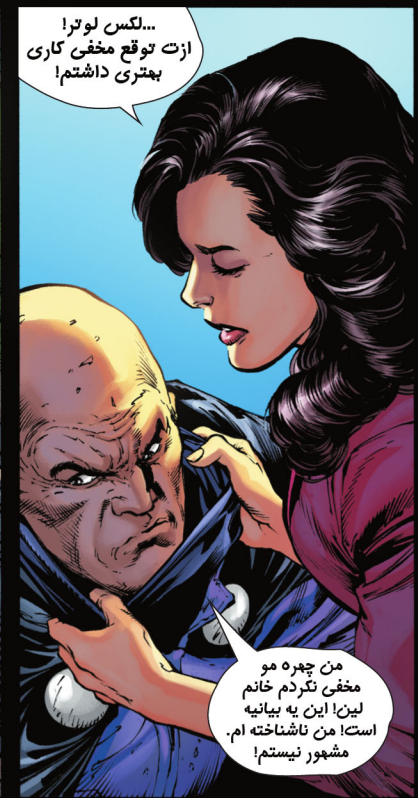
نونتستی چند دقیقه دیگه جلوی خودتو نگه داری جوکر؟! خانم عنکبوتی، نگاه کن! آینه عقبی...!



داره بهتر و بهتر می شه! ها ها!

تعظیم کنید اهالی
متروپلیس! تعظیم کنید
در برابر نبوغ عظیم...







هنن! PEW PEW PEW



زرنگا! KRUSH



زرنگا! SMASH



تسلیم شو. الان.



باشه.



تو بانوی عنکبوتی هستی، ملکه گروه های زیرزمینی تبهکاری متروپلیس. تو گاتهام سیتی چیکار می کنی؟

یادت میاد دو سال پیش چه اتفاقی افتاد؟ یه جورای با آسایشگاه آرکهام ارتباط داره! یه بلاهایی دارن سر زندانیا میارن بتمن! بلاهایی وحشتناک!



اونجا آسایشگاه آرکهامه. اگه کارهای وحشتناکی در کار نبود، زندانی ای در کار نبود.

مطمئنم متوجه شدی که دنیای ما روز به روز داره تاریک تر و خطرناک تر می شه. یه جامعه مرموز پشت همه این ماجراست. و زندانبان آرکهام بخشی از اونه.



هی بتمن! تو یکی از اینها رو گرفتی و من سه تاشونو!

بمت گفتم که تمرین دارم!

کارت خوب بود رابین.



کمی بعد، و همزمان با برگرداندن زندانی ها به آسایشگاه آرکهام، این گروه دونفره هماهنگ از واقعیتی دیگه خبردار می شن!

بانوی عنکبوتی تو مسیبر زندان فرار کرده!

چی؟

هرر هم.



شاید باید بریم ردشو بزنییم بتمن؟

چون اگه برگردیم خونه من باید تکالیف مطلقاتم رو حل کنم.

پس اول به زندانبان سری بزنییم.



دوباره بخاطر نجاتمون تشکر می‌کنم.
من برای همین اینجا هستم خانم لاین.



شایسته قدر دانیه سوپرمن! شما دلیل اجرای نوآوری های کمپانی وین در متروپلیس هستید! ما همیشه می‌تونیم روی حمایت ... و پشتیبانی شما حساب کنیم!
دکتر مارتا وین، بانوی وقت شناس!



بروس عزیزم؟ می‌تونن بهایی بپرون.

مطمئنی مادر؟



دکتر وین؟ لونیس لاین. گزارشگر دیلی پلنت. لکس لوتر به شما اتهام وارد کرده که ایده اون برای اختراع باتری همه کاره ازشن دزدیدید... به اضافه چند اختراع دیگه. در این مورد نظری دارید؟

به نظر من روزنامه شناخته شده ای مثل دیلی پلنت نباید به گفته های په دیوانه بهای زیادی بده.

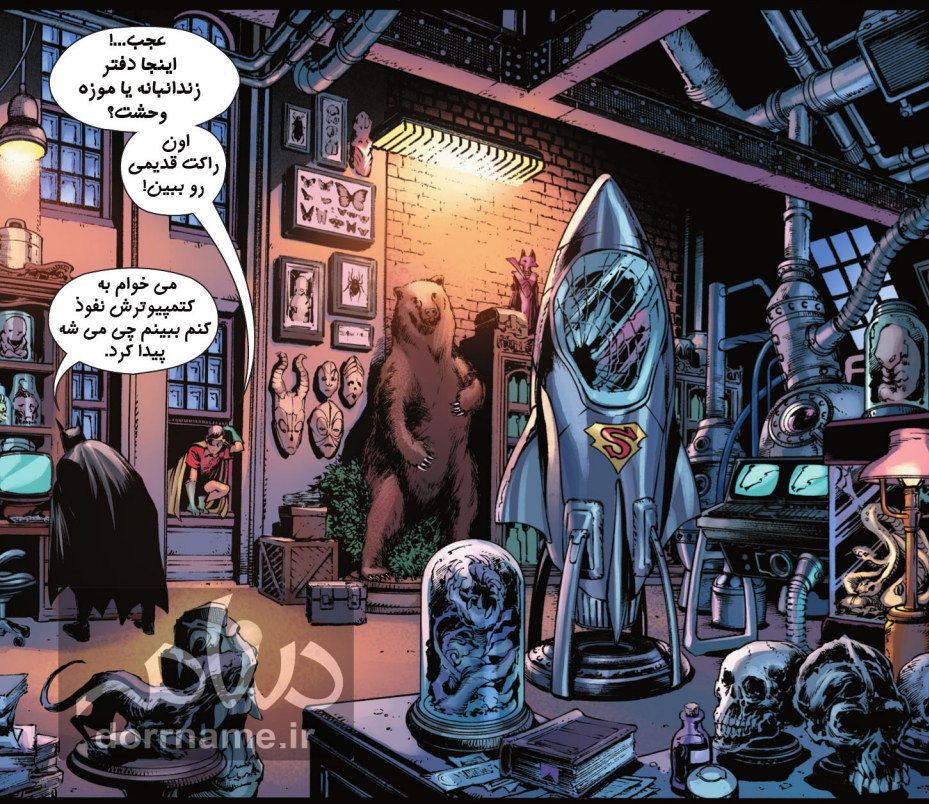


شاید بتونم کمکی کنم خانم لاین؟
قبلا با هم ملاقات داشتیم؟
هممفک.



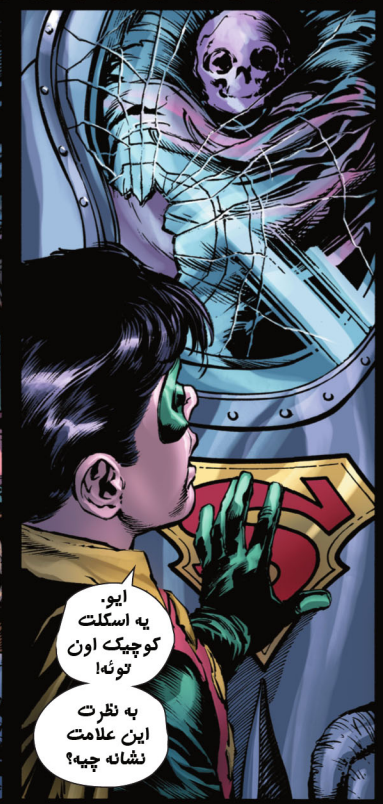
خوب، من رفتم! امیدوارم دوربین درونش شما چند تا تصویر خوب گرفته باشه جیمی!

حتما گرفته سوپرمن!



عجب...! اینجا دفتر زندانبانه یا موزه وحشت؟
اون راکت قدیمی رو ببین!

می‌خوام به کتمپیوترش نفوذ کنم ببینم چی می‌شه پیدا کرد.



ایو. به اسکلت این کوچیک اون تونه! به نظرت این علامت نشانه چیه؟



شنیدم این به نشان بیگانه است.

زندانبان!



اون سفینه فضایی به هدیه است از طرف فردی سخاوتمند. این کل تمام موارد عجیب کلکسیون منه!
من عاشق چیزهای عجیب، بتمن و رابین. چیزهایی که بهم نشون می‌دن چرا این کار رو شروع کردم.
و مطمئنم که شما می‌دونید که ورود بدون مجوز غیر قانونیه. ولی از اونجایی که در مورد وضعیت پیش آمده کمکمون کردید. شاید بشه ترتیبی...



بتمن...?
رابین...?



چرا تو
امارت وین با
من ملاقات نمی کنیدی
لونیس؟ می توئم لونیس
صداتون کنم؟ می توئم راجع
به هر چیزی که خواستید
توضیح بدم.

کلارک!

مواظب باش
رفیق!
آخنها
معذرت من خواهم!
بعضی وقتا خیلی دست و
پا چلفتی ام! چی رو از
دست دادم؟

این دعوت
رو پابر جا بدوئید.
اگر متر و پلیس زیادی
کسالت بار شد...

مطمئنم
همینطور
خانم وین

آقای پشی ورت،
لطفاً این کسی رو که
جمع ما رو به هم زد به
مسئولین بسپارید.

حتماً
عزیزم.

آفردا
الان تو به
مکان عمومی
هستم!

الساعه
دکتر وین.

نه با این
خشونت!

در دفتر دیلی پلنت، معتبرترین
روزنامه متروپلیس، کلارک کنت،
لونیس لین و جیمی اولسن داستانی
رو در مورد وقایع غیر طبیعی اون
روز سر هم می کنند!

این تصاویر
مربوط به باتری همه کاره رو
نگاه کنید خانم لین! بخشی
که آسیب دید... عجیبه، مگه نه؟
دقیقاً شبیه...

کاملاً.

لونیس،
جیمی، من همین
الان به تمام مقاله هایی که
درباره خانواده وین نوشتیم،
نگاهی انداختم.

ولی تعدادشون
چند صدتایی می شه!
کلارک چطور...؟

خانواده وین از
ثروتمندترین شهروندان
کاتهام سینت هستند.

پونزده
سال پیش
فاجعه اتفاق
افتاده...



در همین زمان، در
آسایشگاه روانی ارکهام،
زندانیان دوباره دستگیر
شده به سر نوشت خودشون
فکر می کنند!

افتادیم دوباره
تو قفس.

حال
نکردیم،
اصلاً.

هی، فقط
شکر کنید تو
بلوک سلول...

"...و هیچکدوم از دولوهای
بخت بر گشته ما تو
سلول B نیستند."

کمک!
می سوزه...
انگار اسید باتری
تو زگهام جریان
داره!

هییی هییی
هییی هییی
هییی هییی...

اسکواک!
اسکواک!
اسکواک!

در اتاق بزرگ که از
صخره های کوهی غار خفاشی
قرار داره، که مقر مخفی بتمن
و رایبین محسوب می شه.

قهوه
غلیظ برای ارباب
بروس و شیر شکلات
برای آقای ریچارد.

ممنونم
آفرد.

بیش رسیدگی
می کنم، قول
می دم.

مار شملو! آفرد
تو بهتریش!

امکانش
هست به هر دو شما
آقایون یادآوری کنم
که آقای ریچارد تکالیف
مختلف دارند؟

هی، بروس، تو
اون راکت رو که تو
دفتر زندانیان بود، می شناسی؟
من متوجه شدم که بخشی از
فروش خانگی خانواده ای
تو کانزاس بوده که
بچه نداشتند.

متخصصان
ممکنه از فضا
اومده باشه!

خیلی عجیبه
که به زمین
رسیده...

هاه،
کس دیگه ای
حسن شدید
دیژاوو نداره؟

"...وقتی توی اون کوچه دزد بمشون
حمله کرد، ما را زنده موند، ولی
توماس نه، بروس جوان شاهد
همه این ماجرا بود."

"از اون زمان به بعد تحت فشار رانی سنگینی بود و
دستش به هیچ کاری نمی رفت. او چندساعت رو در
سازمان های خانوادگی برعهده داشته، ولی در
هیچکدام از اونها بیشتر از چند ماه دوام نیاورده."



شاید باید
به مدل شدن
فکر می کرده.

MAYBE.

از طرف دیگه،
ما را تا منابع قابل توجه خانوادگی
رو صرف تبدیل دنیا به جایی بهتر
کرده.

طرف چند سال
گذشته، شرکت های وین
پیشرفت های انقلابی در پزشکی،
حمل و نقل و... انرژی باتری های
همه کاره داشته!

واوا!
چطور این کارها
رو می کنه؟

اون مغز پکیده!

لکس لوتر
فکر می کنه که
ایده های اونو
می دزده.

شک
نگن، ولی...

اینجا رو،
بروسه.

RING

"...چون از آسیبی که بمش وارد شده می شه
گفت که در جریان سفرش به تکه شهاب سنگ
به محفظه کابین برخورد کرده و مسافر نوزاد تنها
مرده.

"یه خریدار ناشناس این راکت رو
در فروشی خانگی خریده. شاید همین
فرد خیر اونو به زندانبان هدیه داده باشه!"

مطمئناً
عجیبیه، ولی
داشتن به سفینه
مرموز جرم
نیست.

شاید وقتش رسیده
که به مثلثات بررسی
آقای ریچارد.

هرمم، به این
نگاه کنید.

من چند تا فایل از
کامپیوتر زندانبان کپی کردم.
این یکی شبیه شرح به پروازه، زندانبان
مرتبه به این نقطه ها سفر
می کرده.

بریم
موضوع چیه.

وو هو!
انگار تکالیف
مثلثات باید صبر
کنند، آلفرد!

واقعاً که.

ولی...
ولی...
> هبیب
فکر کنم.

در شمال
قرار داره... در شمالی ترین
نقطه! چرا باید به زندانبان
به قطب شمال سفر
کنه؟

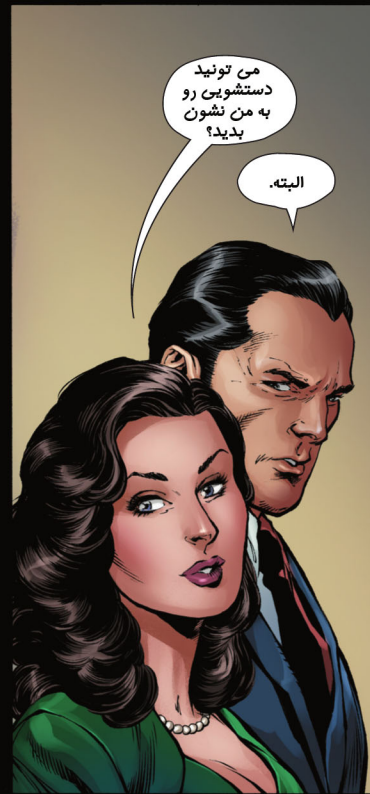
در گاتهام سیتی
و در امارت وین،
لوئیس لین با
میلیاردر خوش تیپ
پروس وین
دیدار می کنه!



سلام
پروس.
لوئیس!
تو اومدی!
همکاران من
کلارک کنت و جیمی
اولسن می خواستند همراه
من باشند. امیدوارم از نظرت
موردی نداشته باشه.



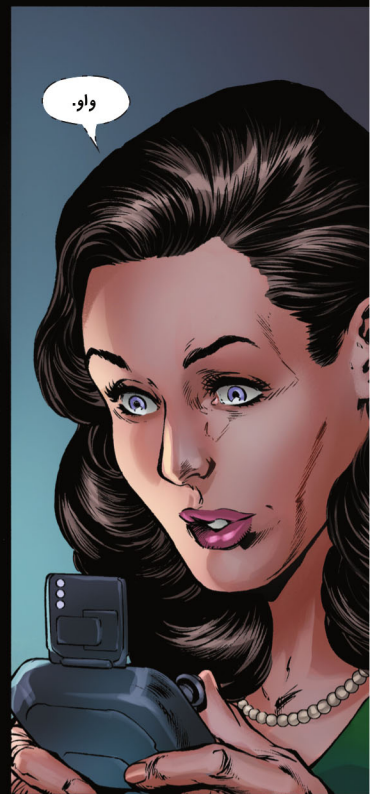
همف.
خیلی خوشحال
شدم.
محل فوق العاده ایه
آقای وین!
خیلی...
بزرگه.



من تونید
دستشویی رو
به من نشون
بدید؟
البته.



بذار ببینم
من تونی چه
غیرعادی ای تو این
محل پیدا کنی
یا نه!



واو.

بتمن و رابین با هواپیمای پیشرفته
خودشوت بت وینگ به دورترین
نقاط زمین، قطب شمال پرواز می کنند!



داخل دژی اسرار آمیز، فردی
عجیب ورود این گروه دونفره
رو تحت نظر داره!



اجسادشون
رو تو برف
دفن کنید.



همونجا
بمونید!

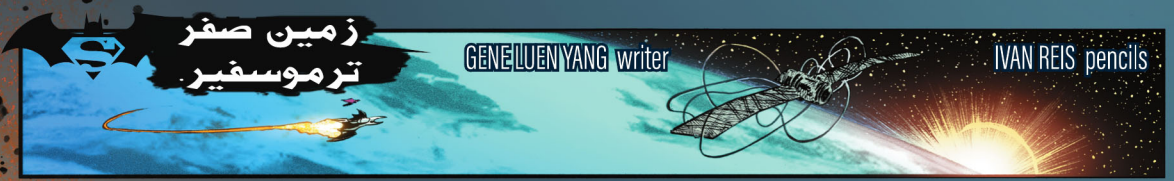


باورم نمیشه
مجبور نیستیم
یواشگی وارد بشیم.
خودشون درو باز
کردند.

می دونم
چطوریه.



همچین
اعتماد به نفس کاذب
شایسته دریافت په لگد
توی صورته!



زمین صفر
ترموسفر

GENE LUEN YANG writer

IVAN REIS pencils



بروس، این همه راه اومدیم نارساین کار کرد یکی از ماهواره های وین تک رو بررسی کنیم؟

شرکتت برای همچین چیزهایی مسئول فنی نداره؟

نارساین نیست کلارک.

DANNY MIKI inks

SABINE RICH colors

SAIDA TEMOFONTE letters



REIS, MIKI & RICH cover

این به آلودگیه.

می بینیم.

GREG SMALLWOOD variant cover



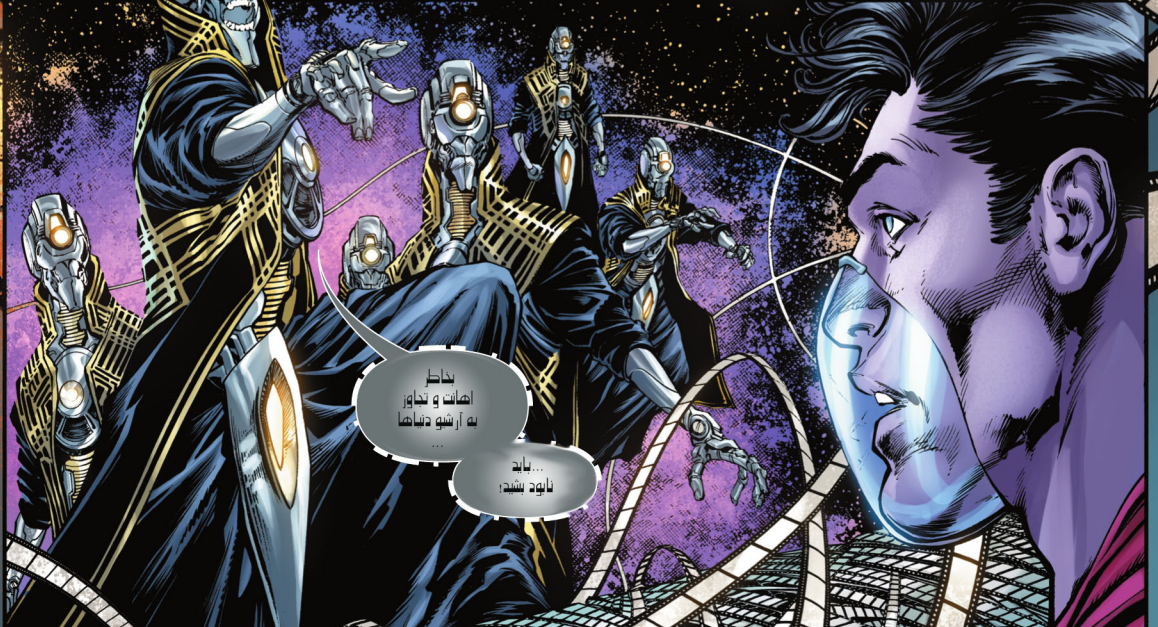
BEN MEARES assistant editor

PAUL KAMINSKI editor

BEN ABERNATHY group editor

شبییه فیلم های قدیمی، ولی اصلا فیلم نیست! حسن می کم... تجدید پذیره.

سوپر من! بتن!



بخاطر اوضاع و احوال به آرشو دناها...

... ناید نابود بشه.

قسمت بعد: بتن و سوپرمن... دوباره با هم برای اولین بار!؟

Out of Gotham and into Europe...
to hunt a new villain known as Equilibrium!

BATMAN

THE DETECTIVE #1

Written by
TOM TAYLOR
Art by
ANDY KUBERT

دورنامه
dorname.ir
مرجع کمیک های فارسی



April

A harrowing
6-issue
action-packed
adventure